

تاریخ مشروطیت ایران

۱۴

در هر مجلس و مسجد و اجتماع‌ها جسورانه نطق کرده بلکه عاجزانه و مظلومانه تعدیات دولت را نسبت به مردم اظهار میدارند خرده خرده بجهت علما هم کنایه و لطیفه می‌گویند. علمای گرام هم میشنوند و روی خود نمی‌آورند. روز گذشته این مشروح بجهت آقای طباطبائی از انجمن فرستاده می‌شود صورت عریضه:

خدمت حضرت مستطاب حجت‌الاسلام آقای آقامیرزا سید محمد دامت برکاته - عرض میکنیم که در اوایل تشریف فرمائی به حضرت عبدالعظیم چند فقره مشروحاتی بحضور مبارک تقدیم داشته بودیم بحمدالله که رسیده و در مجلس خود هم قرائت فرموده‌اید ولی افسوس که عرایض صادقانه ماچندان محل عمل نشده و باز فریب چند نفر طرار و اشار را خورده یک کار باین بزرگی که امروزه در تمام روی کره بزرگی این اقوال و اعمال شامنتشر است این نحو کوچکش کرده‌اید. اگرچه حالا مطالب بهتر نرخ گرفته، پخته شده است. یک هیئت علمای اسلامیة بر حسب خیرخواهی درباره رعایا و پیشرفت حکام شرعی و رفع ظلم مجزا است. توسط وزراء گرام علماء را به محل خود عودت میدهند حال اجرای مستدعیات شود و معلوم شود که آن دستخط و آمدن وزراء تمام تدلیس بوده، بدابحال آندولت. ولی باید استقامت گردد - مطالبه حقوق خود تا موفق به گرفتن شوند از زمان حرکت علمای گرام به حضرت عبدالعظیم الی کنون مردم عوام بعضی جعلیات نسبت بجناب امام جمعه و شیخ فضل اله منتشر کرده‌اند که تمام جعل و دروغ است. چرا منع نمی‌فرمایند زیرا که در انظار مردم آن تقصیرات صحیحه و واضحه هم در ردیف این حرفها از میان می‌رود. مثل فقره کتابهای عدیده شرح لمعه بفلان زن امام جمعه یا در در و دیوار می‌نویسند امام جمعه جاکش است و شیخ فضل‌الله فضله بنده است نه فضل‌الله مسلم است.

شرح لمعه با آن عرض و طول چگونه بفرج زن امام جمعه می‌رود زیرا که فرج زن امام هم مثل فرج سایر زنها است هرگز نمی‌رود بجهت جاکشی هم آنچه معین شده است که شخصی زن اجنبی را بجهت مرد اجنبی برد خیلی مشکل است که آقای امام چنین کاری کرده باشد. خوب است که متاعی که بر او وارد است ذکر کنند. بخصوص همین فقره مسجد شاه

که وقاحتش از همه اعمال سابقه بدتر بوده است که در خانه خدا که محل امن و امان باید باشد آن حرکات شود و اما در فتره شیخ فضل الله که میگویند توفضله بندهای نه فضل الهی اینهم خلاف واقع است خوب است گفته شود تو پسر شیخ عباس صوم و صلوه فروشی . هرکس سابقه او را بخواهد رجوع به اعلاناتهای سابقه چند سال قبل که شرح اعمال او را نوشته اند نماید تا معلوم شود چه است و اعمال حالیه او مفسد فی الارض و مخرب ایران و اسلام خداوند عمرش را قطع نماید . در هر حال این دعاگویان عاجزانه از حضور مبارک ، حجج اسلام مستدعی هستیم که جلوگیری از جهان داشته که فساد ظاهر نشود و مقاصد خود را از دولت بخواهید که ما را خواستید از زاویه مقدسه عودت کردیم . مستدعیات ملت چه شد . . باز مسیو نوز و عین الدوله بمقام خود برقرار ، از عدالتخانه اثری ظاهر نیست ، اعمال حکام و ظلم ظالمین بجای خود ، تکلیف ملت چیست ؟ لابد جوابی خواهد داد . ملت هم باکمال امیدواری و جان نثاری پای پیشوایان خود ایستادگی ورزند . استقامت لازم است ، اتحاد لازم است . خداناصر شماها خواهد بود . بپروضاعتنا به حرف شماها نکردند . تشریف ببرید مسجد جمعه . جماعتی هم از طلاب میآیند . همانجا ساکن شوید به نماز جماعت موعظه ، قرآن سرگرفتن ، یاله گویان ، فریاد زنان از خدا اصلاح کار را بخواهید . ولی واجب تر از همه کارها جلوگیری از جهال است . که فساد نکنند . حرف بد نگویند فحش بدولت یا شیخ فضل الله یا به امام ندهند تا بشرارت و هرزگی معروف نباشیم ، دیگر امر ، امر مبارک حجج اسلام است .

در اوایل شهر صفر ورقه شبنامه تحقیق انتشار یافته که از ژلاتین چاپ کرده و از مردم سؤال کرده که کی مانع از اجرای مستدعیات ملت است هرکس میشناسد از طریق شبنامه بشناسند تا فدائیان وطن دفع او نمایند و مانع را بردارند .

صورت شبنامه . پس از مراجعت علما از زاویه مقدسه و گرفتن دستخط قانونی از تاسیس دیوانخانه عدلیه و اجراء قانون اسلام تمام افراد ملت مترصد بودند که کدام روز فتح این باب سعادت خواهد شد و از اطراف مملکت بحکم دولت انتخاب افراد و کلاء ملت بعمل خواهد آمد و درجه ساعت علمای اعلام یا رجال دانشمند مشغول نوشتن فهرست فصول قانون مقدس خواهند شد . افسوس که تمام آرزوها در خیال بوده نه از طرف دولت اشارتی شده از طرف علما حرکتی ، از شخص اعلیحضرت سؤال میشود میفرمایند از مادادن دستخط و از اتابک اجرا داشتن ، علت تعویق میبرسد میگویند تصور از طرف علما است و مانع اجرا نفاق آنها است . چه مجمعی را تشکیل دادند که از طرف دولت تقویت شد و یا ممانعت پیش آمد از علماء سوال می کنیم میگویند مانع بزرگ شخص اتابک است . از عقلای ملت

می‌پرسیم می‌گویند تمام خرابیها از میرزا مصطفی و سیدعلاءالدین و میرزا ابوالقاسم و سید احمد است. از مطلعین وطن پرست سؤال میشود هرکدام برای و اطلاع خود را مثل این ورقه طبع فرموده منتشر فرمایند تا از اطلاعات افراد تحقیقی حاصل نموده پس از تحصیل یقین فدائیان وطن مقدس جزای عمل هرنابکار مقصرا که مانع اجرای قانونست ادا نمایند ان‌الله لایضع اجر المحسنین .

انتشار این مطلب شب‌نامه موجب هیجان مردم گردید که از روی حقیقت نوشته‌اند . فی‌الواقع معلوم نیست تقصیر از کیست بلکه ان‌شاء‌الله مانع را مستور بنمایند تا رسوا گردد . دهم صفر اوراقی بخط و چاپ زلاتین در عنوان جواب شب‌نامه تحقیق انتشار یافته است . مطرح کلام است .

جواب شب‌نامه تحقیق . چون نگارنده ورقه شب‌نامه زلاتین از مطلعین وطن‌پرست مقصر و مانع نیره سعادت قانون عدالت را خواسته بودند صریحا " می‌گویم که بدانند و معتقد باشند که مقصر کلیه افراد ایرانی است حتی خود شما که نگارنده شب‌نامه هستید . زیرا اگر با علم و بی‌غرض بودید می‌فهمیدید که مادام‌غنتشاش اولی‌بی‌علمی شماها است . دوم غرض شخصی است و از این تقصیر از شاه و اتابک و علماء و وعاظ و تجار و رعیت و بیکارگان و طبقه نورکاب خواه لشکری ، خواه کشوری و ارباب علم و معارف دروغی و غیرتمندان جعلی معاف نیستند و تمام افراد مقصر و مانع میباشند و علت هم عدم شعور عمومی است که وظیفه شناس نیستند . هرگاه وظیفه‌شناس بودنتان اول کلمه ، اول لطیفه ، اول نقطه اول خواهش خودشان را یک کلمه قرار میدادند و آن کلمه اینست که . (انتظام دستگاه دیوان آنرا می‌خواهیم " و غیر این کلمه حرفی نمیگفتند . اگر چه یقین نه شما و نه شاه‌ونه اتابک و نه علما و نه . . . احدی معنی این کلمه را ملتفت نیستند و نه از تابش عالم آرای این کلمه خبردارند و نه مقصود حقیقی شماها ثمرات عدالت حقیقیه است . عموما " طالب نفع شخصی و افزایش امورات موقتی اعتباری خودشان هستند و کلمه مقدسه مبارکه : " حب الوطن من الایمان " راهم دام جلب منافع خودشان نموده اگر مطالب اعمال جهل‌مندانه شماها را همه دیدماند آنچه محقق و روشن است جماعتی طماع ، مغرض . خودخواه ، نادان ، لایبشعرا نه حرکت میکنند " اولئک کالانعام بل هم اضل " واقع مطلب همین بود که عرض نمود . واضحتر می‌خواهی . شاه هرگز مایل به تشکیل قانون عدالت نیست زیرا که اگر این مجلس منعقد شود دیگر نمیتواند مالیات را باین پیشخدمت و فراش خلوت و قوال و رقص بدل و بخشش نماید و سالی چند کرور حقوق دولت را صرف شخص خود نماید و یا پول قرض نماید به فرنگستان رفته به مصارف لهو و لعب خرج نماید . اتابک ایدا " راضی به قانون عدالت نیست زیرا که

اگر مجلس باشد چگونه او میتواند روزی هزار تومان از نان و گوشت، که قوت عموم مخلوق است بگیرد و یا در مدت یکسال صدارت چند کرور خانه و میل و باغ و پول دارا شود. علماء اصلاً "راضی به اجرای عدالت نیستند زیرا که اگر مجلس عدالت باشد دیگر چگونه میتوانند حکم نایب بدهند یا رشوه بگیرند و منسوخ داده شود یا وارث اموات با فایض ارواح شوند یا حامی اسرار باشند یا بهوای نفسانیه هر مسلمانی را بخواهند کافر یا هر کافر را بخواهند مسلمان نمایند. وزرای لشکری چگونه مایل قانون عدالت میشوند که دیگر نتوانند از حقوق و مواجب سرباز و سلطان و یاور فوج بخورند. در رأی کشوری ابداً به مجلس عدالت رضا نمیدهند که ابداً" نمیتوانند در امورات دولتی تقلب نمایند و یا از احکام ولایات حمایت کنند. قوانین و ملاکین چگونه مایل عدالت میشوند که دیگر نتوانند مردم را انبار کرده ببوشانند و نفروشند و قحطی قوت مخلوق شوند هر کدام از اصناف مردم بی انصاف در کار و شغل خود مشغول تقلب و ظلم و تعدی هستند چگونه راضی به مجلس حقه میشوند. این مذاکرات و اقدامات علماء هم بجهت جلب منفعت است و گرفتن پول تا در حضرت عبدالعظیم بودند که این مردم خر احمق ساده لوح بامید آنکه این اقدامات علماء عدالت و بجهت رعیت نتیجه خواهد داشت پولها فرستادند و بهر کس رسید بدیگری نداد. اسم گیرنده و دهنده و برنده را ما میدانیم بلکه خیلی اشخاص میدانند. هرگاه "کسی انکار نماید ناچاراً" خواهیم نگاشت. بعد از مراجعت به تهران هم مداخله کردند باز هم به مستمسک مجلس عدالت تدبیرات مینمایند ولی مقصود پول است. چون غرض آید هنر پوشیده شد. در یک سال ونیم غوغای وطن پرستی و ادای ملت خواهی علماء منحصر به جلب نفع و اخذ پول بوده است.

چنانچه آنهمه بی احترامی ظفر السلطنه به یکنفر عالم متدین شرع کرمان در مقابل دوهزار و هشتصد تومان که به سه نفر از آقایان تسلیم کردند هیچ و پوچ شد سهل است امیر تومان و دارای حمایل فلان و عازم آذربایجان گردید. عسکر گاریچی که بواسطه قطر شکم و کلفتی کردن و رابطه معنوی با بعضی از رؤسای این مردم بی اتفاق آشکارا زوجات مسافری را بی عصمت و زنا میکرده و ناموس ملت ایرانی را به ملاحظه اغتشاش دستگاه دیوان و عدم دین علمای بی حمیت به باد میداده در شهوت رانی و بیبیاکی طوری خود را جری میدهد که دست بناموس هر یک از اعظام بزند خود را غیر مسئول و آنها را بی قید میدانند زیرا که آنهمه داد و فریاد وزاری اهالی قم و اثبات ظلم و فسق و فجور عسکر چه نتیجه دارد جز اینکه نقدی به بعضی داد و مؤمن گردید اثر دیگری محسوس نشد فرضاً که قانون نوشتند. اولاً "شرایط قانونتراکی باید معین کند؟ دستگاه وضع قانون سپرده یکی

است؟ وکیل قانون کجا است؟ سیر قضا خوردنی است یا پوشیدنی است؟ معنی کلمه عدالت چیست؟ دخالت علماء در امور مردم منزل خود ساخت یا در مجلس عدالت؟ حدود نفاذ امر آقایان تا کجا است؟ منافع دولت در سالی چقدر است؟ مصارف شخص سلطنت کبری را چه مبلغ معین میکنند؟. مناصب و مواجب امنای دولت از راه بروز چه قابلیت داده میشود؟ آزادی مذموم و استقلال و نظرخواهی سرحدش به کدام نقطه منتهی است؟ که کدامیک از وزراء و ارکان منصف را معتقد هستید که برای بقای دولت و مزید ثروت از صدو شصت و پنجاه و بیست و ده هزار تومان مواجب اضافات خود صرف نظر و قطع طمع می کند؟ و کدام یک از علماء که دم از تنظیم و عدالت میزند از حقوقات دیوانی چشم میپوشند و خود را مانند افراد اهالی ملت و کارکنان از بیت المال ذیحق میدانند و تنظیم امر معاش خود را از ممر حلال که منافی با قانون عدالت و سلامیت نباشد بخواهند و رشوه خواری و اختلال در امور مسلمانان را بدانند و ایجاد فتنه و فساد در میان خلق نکنند. بنسندگان خدا را باغراض فاسد به تهمتها بدنام سازند. بیچاره مردم را بریکدیگر نشورانند، در صد اتحاد ملت اسلامیة باشند ولی افسوس که غرض علما پول بود از اتابک، بعضی گرفتند بعضی خواهند گرفت.

خانه شرع مبین ویران شد از این اولیا چون ولی حق گزار حق شناسم آرزوست
 نامی از اسلام باقی ماند و باقی کفر محض یک مسلمان زاده خالص عیارم آرزوست
 دربی پاداش رو به خصلتان گرگ خو پنجه شیر خدا و ذوالفقارم آرزوست
 چونکه گویند آرزو بهر جوانان عیب نیست ملتی دانشور و عبرت شعارم آرزوست
 طالب امر محالم وای برحالم که من این چنین دوری زدور روزگارم آرزوست

اتابک هم بجهت قصور حدود خیالی و حسب جاه و منصب و ریاست از این مردم بدبخت و از این دولت بیگس بهزار وسیله مختلفه پول میگيرد. از هزار یک آنها را باین علماء غیرتمند متدین و حامیان بی دین خود نمیدهند. آقایان هم در نفع خود و ضرر عموم ملت پریشان دواسبه میتازند. اگرچه سئوال اجمالی نگارنده و شب نامه جواب اجمالی لازم داشت ولی چکند بیچاره انسان که در این مملکت اختیار خیال و افکار خود را ندارد و بواسطه عدم اطلاع خوانندگان در هر مطلب مختصری باید شرح کشف بنام مسائل بگذارد حالا کجا بید فداثیان وطن مقدس که کیفر اعمال مقصرین و ما یعنی ارکان مساوات و عدالت را بدهند و یا نگارنده شب نامه خجالت کشیده قدرت نیندازد که وطن مقدسه، فدائی دارد بلکه بداند که وطن مقدس ما ملوث باغراض جهال مندانه گردیده فدائی ندارد تا چشمان کور شود. دهم شهر صفر ۱۳۲۴